

شماره ۱۳۵
محل توزیع کتابخانه تربیت

عنوان مراسلات

کتابخانه تربیت

تبریز (ایران)

۲۵ محرم الحرام ۱۳۲۵

سال اول

صفحه اول

قیمت اشتراک

هر نمره در تبریز ۵۰ شاهی

اسانیا در تبریز ۷۰ قران

در سایر ولایات ایران ۱۰۰ قران

در ممالک خارجیه ۱۵۰ قران

آزاد

۴ ۲ ۳ ۱

بریده ایست مقصود و هفته یکبار طبع و توزیع میشود

در این جریده از هر گونه مقالات سیاسی و اقتصادی و علمی و صنعتی و تاریخی و ادبی گفتگو میشود و هر قسم مقالات سودمند و عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزاد است .

داشت او آلا آنکس ثابت نبوده فرار بود بحض تاثیر بر او بدون محفظه بلوری عکس نحو و زایل میشد ثانیاً در هر انعکاس یکفرع عکس بدست می آمد تعدد ممکن نبود تا اینکه بعضی و این تمام فیزیکیان متحن تغییر وضع داده با کلودیون درست میکردند آنهم کاری بود بسیار مشکل و خالی از لطافت میباشد یکفرع عکاس آتلا چهار پنج سال از برای تکمیل فن عکاسی از عمر عزیز خود صرف نماید و باز رسم صحیحی باین خوبها که هست بدست نمی آمد تا اینکه بهمت بلند پروان این علم باین هم راضی شده پیش رفتن آغازیدند .

اعلان

مرکز و کالت روز ما حمایتی ذیل کتابخانه تربیت است طالبین بدانجا رجوع نمایند

- | | |
|--------------------|--------------------|
| روزنامه جلال الدین | روزنامه پهره نما |
| روزنامه آزاد | روزنامه امید |
| روزنامه معارف | روزنامه ارشاد |
| روزنامه مجلس | روزنامه ندای وطن |
| روزنامه انجمن | روزنامه دعوه اسلام |
| روزنامه عدالت | روزنامه تمدن |
| روزنامه آذربایجان | روزنامه شرافت |
| روزنامه فوضات | روزنامه تکامل |

عکاسی

لقد نتایج حسن و فرائع مستجنه در این اندک زمان بر سرش بروریده از انجمله باز شدن مدارس متعدده بطرز جدید و تبدیل بعضی از مکاتب قدیم بوضع جدید و زیاد شدن روزنامه علمی و ادبی و غیره و ایران و آزادی قلم نکته سخنان و روزنامه نگاران بدین عصر گرجان فشانم دوست لند آورنده روزنامه مبارک معارف که از کواکب تازه طلوع است که از افق آسیا طالع گشته است دیدم که از علم و عمل مطلق و مفضض کاری که در اکثر ظروف و اسباب و غیره لازم است مرقوم فرموده بودند این قلیل البضاعه هم خوب است شمه از علم عکاسی و لوازم آن برشته تحریر آورده تقدیم حضور مبارک نماید اگر لیاقت طبع در روزنامه مبارک داشته باشد در ستون آخر جابجاء نماید تا مطبوعات پخته نشویند اما اولین عدد خواهد تحریرات خامه این بنده کرده فن جمیل عکاسی در سال هزار و هشتصد و بیست و سی که مطابق میشود با سال هزار و دویست و چهل پنج هجری کشف گردید کاشفان نیلوس و اگر نامان فرانسه بوده در اول کار در روی صفحه نما فلزی مجلات شده درست میکردند چون اول کار بود آن عمل چند فقره عیب

حقوق قانونی

در شماره گذشته وعده دادیم که هر یک از فصول هفده گانه اساس مشروطیت را علیحده بموقع شرح و بسط بکنیم اینک در این هفته در تمهید مقدمه مقصود چند فقره حقوقی را که باید قانوناً با فساد ملت تأمین بشود مینویسیم که اول آن حقوق مساوات مدنی میباشد توضیح آنکه عموماً در تحت اصول مستبده مردم به طبقه منقسم میشوند یکی اعیان دیگری روحانیان ستمی رعیت که مخارج آنده و طبقه اولی را فرقه آخری متحمل است و هر یک از این طبقات ثلثه امتیاز علیحده دارند و اگر از نقطه نظر اسلامیت غور شود معین میگردد که این مسئله بجای با قوانین شریعت غرای اسلام مخالف میباشد چنانکه چون بر ملت حضرت ختمی مرتبت نزدیک گردید آنحضرت از راه مساوات اسلامی با وجود ضعف مزاج بنفس نفیس خود به مسجد رفته و در وصیت و داعیه خود بعد از آنکه اتحاد و یکدستی را به ملت خود توصیه فرمودند آشکارا و به آواز بلند گفتند که اگر من کسی را بی تقصیر رنجانیده ام اینک برای انتقامش حاضر هستم فی الجمله در اثبات وجوب احترام مساوات مدنی دلایل شرعی و عقلی بیشتر از آنستکه ما انوار در این مقاله بشماریم و همین یک مثال نایبگی اکتفا کرده و در تعقیب و تشریح مسئله گوئیم که مساوات مدنی عبارت آنست که هر کس در صورت اهمیت در استخدام و بر دولتی مخدومی نداشته باشد و بقول و کردار افراد ملت بلا استثناء مالیات دولتی را بر حسب ثروت بپردازد و برای هیچیک از طبقات امتیازی بسایرین نباشد و چون این سه شرط که در تحت عنوان مساوات مدنی ملحوظ شد در اندک ثانی امور اقتصادی آنان که بمنزله روح ملت است خیلی بالا میگیرد

و چون این چنین شد نایکد رجه حیات سیاسی آنان محفوظ میماند چه اگر ملت خود را صاحب و سرنج خود نداند و کشته خود را بفنا اقویاً و زبردست نمایند و دیگر هیچوجه در کسب معیشت ابر از غیرت نمیکند و چون ثروت نوعی مرکب از ثروت شخصی است امور اقتصادی آنان تنزل نیابد و در این صورت اساس ملت بتزلزل میافتد چنانکه امروزه مایه رقابت دول اروپائی همین مسئله تجارت است و حال همه ملل ستم نه بالکلیه از خیال جهانگیری و مملکت ستانی فرود آمده و در پی حفظ منافع تجارتی میباشند منتها در تکیه تجارت تا تنخیر ناحیه لزوم پیدا کرد از قربانی جان و مال مضایقه نمیکند و از آن در تحت عنوان تألیه این مطلب را مشروحاً با بقدر اطلاع خود مان موضوع بحث قرار خواهیم داد .

ماده دوم حقوق مشروطه فوق حریت شخصی است که شخص فاعل مختار و در افعال خود آزادی دارد که هر کجا میخواهد میرود و با هر و با هر شعلیکه میل دارد مشغول میشود و احدی را برایش یا راقی تعرض نمیشاید و از دولت همین ماده حقوقیست که قانوناً هیچکس را بی تقصیر نمیتوان حبس و سلباً سحریه نمود ولی اگر شخصی قویاً در امر خلافت قانونی منظمون باشد بحکم قانون توقیف او جایز است و یکی نیز از نیایج این حقوق آنستکه بی اجازه هیچ ماموری نمیتواند داخل یک خانه بشود و گرنه آنکه تخری آن منزل برای امنیت عمومی لازم باشد.

مکتوب از اسلامبول

تاریخ بیت چهارم ذیقعه المحرم تالمکراف از محال خانان غلام اشیان مظفرالدین شاه مغفور باسلامبول رسیده و بعد از شیع و انتشار این خبر محنت بار مجالس سوگواری بر پا و در عموم افراد ملت ایرانی منازعه و دکاکین شان را مسدود نموده و لازمه محبت

واحسان شاه پرستی را ابراز داشتند و پس از قیام مراسم عزاداری نمودند انتظار خبر جلوس علیحضرت (محمد علی شاه) بودند تا غره شهر و محله محرام تلگراف جلوس بمیونی سفارت و اصل و در بیان آحاد مالی منتظر و شایع گردید . .

وکلای ملی ایرانیان اسلامبول که مرکب از دوازده نفر استند با اتفاق جنرال قونول (....) بجامع خان والده آمده و عموم تجار و اصناف و کسبه را جمع نموده امر و اعلان نمودند که یوم شنبهیم ماه را مراسم شهر آیین و جشن و چراغانی در بیوت و ساکن و دکاکین عموم ایرانیان بعمل آید جمیعاً قبول کرده و هر کسی در یوم معین سبباً چراغانی فراهم آورده و بیرقهای شیر و خورشید و ماه و ستاره نصب نموده بودند تا ساعت نه از دسته گذشته بیرقها آویزان و قنادیل و فانوسها در بالای طاقها بجهت ایقاد حاضر بودند و کسی مخالفت نداشت و در سفارت کبری معین و سفرای خارجه و نمایندگان و اشراف ایرانی بجهت تبریک و تمینیت حاضر بودند بناگاه مأمورین پولیس و ژاندارم عثمانی بمحل مانی که اسباب جشن ایرانیان فراهم بود رسیده و انفاسخ چراغانی و برداشتن بیرقها را امر نمودند از این مطلب همه متحبت و مبهور ماندند و هر کس که بدون گفتگو بیرق و فانوس و قندیلها را جمع نمود فها و آلا مأمورین عثمانی جبراً و بالذات برچیده میگذاشتند .

پس اشخاصی که این حقارت در حق آنها مجری شده شده بود تماماً بفرات ریخته و سکایت نمودند سفیر کبیر و شاعر عربی نظیر مترجمان اول سفارت میرزا او مانس خان را به ما بین همایون بجهت پرسیدن سبب این معاملت ناانجا فرستاد لیکن در این جانب آفتاب غروب نمیکند اشخاصی که قنادیل و فانوسها دارند بنا نموده روشن کردن مثلاً

قرب و جوار خان والده را مأمورین هر قدر خواسته بودند برپند صاحبان بیوت و دکاکین ابدار ضانده و محتبای جلوسگیری مأمورین بوده اند آن قدر نمانده بود که مسئله بیشتر اهمیت پیدا نموده و بلوای عمومی و واقعه کربلا بعمل آید برکت بد بد که مأمورین عثمانی سخت گیری نمودند در ساعت دو از شب گذشته جناب سفیر بجهت تماشا جشن خان والده تشریف آوردند انالی مراتب را تماماً با بعضی رساند و بتک حرمت ایرانیان را از طرف مأمورین عثمانی یک بیکت شمرند جناب سفیر فرمودند خیر! حق ندارند از سرای پادشاهی تادواژ گذشته اذن و مساعدت گرفته ایم از مضمون لفظ جناب سفیر چنان مفهوم میشد که این شهر آیین و جشن مخالف نظام بوده زیرا که در جلوس سلاطین سایر دول جشن فقط بمنحصر بفرات است و با فساد انالی سموت ندارد ولی سفیر بی نظیر ما خواسته است که کاری فوق النظام و خارج العاد اجری نماید که بدین جهت این قدر رسوا و افشاح بار آورده و این همه رذالت و سرفکنندگی ایرانیان را در میان سایر ملل اجنبیه سبب شده یوم بعد چند نفر از طرفداران حریت و شریطیت جمع شده و لایحه نوشته بجلوس وکلای ایرانیان اسلامبول دادیم ملخص صورتش را قرار ذیل بود .

استدای ایرانیان مقیم اسلامبول (از وکلای ملی)

شاه وکلای ملی با جناب قونول ما اصناف کسبه با جامع خان والده جمع و امر با اجرای جشن و شهر آیین بجهت جلوس علیحضرت همایونی نمودید هر کس از ما هم بقدر قوه خود متحمل مصارف شده و قنادیل و بیرقها تهیه و آتیا جشن فراهم نمودیم ولی چنانچه دیدید مأمورین عثمانی آمده بیرقها را و خورشید ملی ما را سرنگون و چراغها و قنادیل را خواستوشن کردند حالا ما از شما پرسیم که آن امر و فرمان شاه و جناب قونول چه بود ؟ و این نمی

مامورین عثمانی چه ؟ و انگلی این همه رذالت و افضاح چرا ؟
 باشد تمام مطالبه حقوق خود نموده و منظر جواب بستم و الا ...
 عموم ایرانیان مقیم اسلامبول این درقه را که متجاوز از شصت مهربان زده
 بود توسط وکلا بجانب سفیر تقدیم داشتیم و بکلا هم پیش از وقت عرصه
 تنگ نموده و گفتنی مارا گفته بودیم پس یوم دیگر جناب سفیر بجانب
 عالی رفته و با صدر اعظم ملاقی شده و عرایض ایرانیان را در مقام
 اثبات مدعا ایراد نموده و مطالبه تمینیه و جراحی نمودن مشول را
 درخواست نموده و از جانب صدارت عثمانی در مقام تسلی این گونه
 جواب داده شده بود (یوم جشن که تا ساعت اندوخته گشته است
 نشده بود بعد یکی از محضی نویسان سلطانی کار را به سرای مشتبه نموده و را پور
 مخالف حقیقت داده بود و شاء علیه اراده سینه صادر شد که بباط شهر
 و چراغانی را برچسبند) گویا این جواب صدارت بوده که بفرموده
 و در انجام کار جناب سفیر عزل ده نفر از قویسرمای پولیس را بجهت اذیت
 ملت خواسته و از صدارت هم بمغزولی پنج نفر رضای قول داده که جناب
 سفیر هم کیفیت را در جواب لایحه و پروتست ما بجانب متهمه التجار ابلاغ
 و مشارالیه هم تفصیل را بیان فرمودند در جواب عرض کردیم ما
 مطالبه حقوق ضایع شده خود را نخواهیم قویسرمای پولیس را از اینجا با
 نقل داده و احتمال که مواجشان هم علاوه خواهد شد مثل وقعه
 کربلا و مغزولی بغداد و تعیین و نصب و بماموریت همتر از و الیگری بناد
 آفرینید اینم چرا ما ایرانیان اینگونه اسیر ذلیل و در میان سایر ملل اجنبیه خوا
 وزبون شده و میثوم این گونه اشخاص بی کفایت و مداین سفیر کبر ایران
 شده و ما هم میگوئیم در مقابل مغزای مقتدره اجانب بغیر داریم ...
 اشهد بالله و کفی مغزای صرب و رومانیا حکشان بد رجاستی
 از سفیر مانافه و طالع تراست بای تعجب اینجاست که یک سته نموده

از وزیر خارجه بجهت توخم در سفارت خواهرش شده بود قبول شده و بالا
 از سفیر انگلیس موزیک کشتی معیت اش را خواسته و جواب مساعد
 منع الهمشود داده و بعد که بسرای و با بعلالی بدر لایحه محضی نویسان اظهار
 چگونگی شده بود فوراً اراده بار سال یک سته موزیک صادر شده بود
 گویا از جانب وزارت خارجه در این باب بجانب سفیر اینطور جواب
 رسیده که بمحتره در حال مظفر الدین شاه سفیری شما لغو شده بعد که
 تلگراف ابقای ماموریت شما رسیده البته وظیفه ما فرستادن موزیک
 است خلاصه مضبوط که صورتش در فوق ذکر شد سختین بوده است
 آن یکی را امر کرده بودند این را هم مقرر نموده اند و بایست که
 بهر االشوای کبری طهران فرستاده خواهد شد بلکه از اینجا بهر دو
 ما چاره شده و مغزولی این شخص ... اجرا شود تا از طعن و تهمت
 اجانب و ارسته شویم .

احوال هوایه اسلامبول از پنجم دیحجه برف و سرمای شدید ابتدا
 نموده که از ده سال باین طرف مثل آن واقع نشده بود تمام پنج روز
 (تراومه) های شهری معطل ماندند گردش اسلامبول و باگ و غلی
 صعوبت پیدا کرد چند روز بازار و دکانها مسدود ماند کشتیهای تجاری
 چند متعلق بروس و یونان و سایر دول غرق و ضایع شده ازان جمله
 موسوم به (ناخیموف) که یوم قبل غرق و تلف شد و بنا بنگارش
 اخبارات ترکی در اروپا و امریکا هم شایع شد از سرامحسوس
 شده است و السلام . (مضامین محفوظ)

مسرقة البدایع فی انواع الصنائع . اخلاق مصتوره .
 تربیت المذات . ستر محسوس . دیوان نظامی اعلا .
 و سایر دمانهای فارسی در کتابخانه موجود است .